

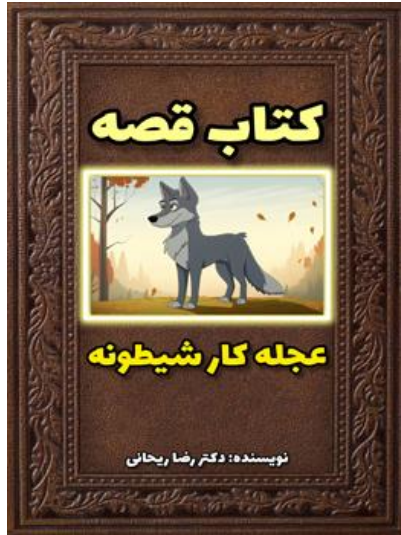
به نام خدا

قصه عجله کار شیطونه

نویسنده: دکتر رضا ریحانی | درمانگر مجاز آیسفت کانادا

ویژه کودکان ۳ تا ۹ سال

هدف: قصه عجله کار شیطونه به کودکان اهمیت خودکنترلی و خودتنظیمی در بازی ها و روابط اجتماعی را نشان می دهد.



روزی روزگاری در یک جنگل شاد، حیوانات زیادی با هم زندگی می کردند. در این جنگل، هر روز مسابقه برگزار می شد. هر روز حیوانات زیادی با هم مسابقه می دادند. آن ها از صبح تا شب خوش می گذراندند.

یک روز، گرگ جدیدی وارد جنگل شاد شد. او خیلی زبر و زرنگ و فرزند بود. برای همین تصمیم گرفت در مسابقه آن روز شرکت کند. گرگی فکر می کرد اگر از همه جلو بزند و یا سریع تر کارش را تمام کند، اول می شود. اما بازی های این جنگل فرق داشت. مسابقه شروع شد و داور کنار یک درخت بزرگ ایستاد. همه حیوانات شرکت کننده دور از داور و روی یک خط ایستاده بودند.

داور سوت زد و همه حیوانات با سرعت دویدند. گرگی هم با سرعت می دوید. ناگهان، داور چراغ قرمز را بالا آورد. همه حیوانات بعد از دیدن چراغ قرمز ایستادند. اما گرگی که خیلی دوست داشت اول شود، همچنان با سرعت می دوید. او به آخر خط رسید و خیلی خوشحال بود. فکر می کرد برنده شده است. اما داور به او گفت: «بعد از دیدن چراغ قرمز، وایستادی. تو عجله کردی. قانون رو رعایت نکردی. پس باختی!».

گرگی خیلی ناراحت شد. با خودش گفت: «اشکال نداره. فردا هم مسابقه میدم. بهشون نشون میدم که من خیلی قوی ام!». مسابقه فردا شروع شد. در این مسابقه، قناری داور بود. قناری گفت: «هروقت آواز خندم همه باید برقصین. اما اگه آواز قطع شد باید فوراً بی حرکت سر جاتون وایستید». و بعد، شروع به آواز کرد. همه با شادی می رقصیدند. گرگی هم می رقصید. گرگی تلاش می کرد تا قشنگ و سریع برقصد تا برنده شود. او در حال رقصیدن بود که ناگهان صدای آواز قطع شد.

همه حیوانات بعد از ساکت شدن قناری، بی حرکت ماندند. اما گرگی که دوست داشت اول شود، همچنان با سرعت می رقصید. داور سریع سوت زد و به گرگی گفت: «چون نتونستی خودتو کنترل کنی و با قطع شدن آهنگ وایستادی، سوختی. الان از بازی باید بری بیرون!».

گرگی از بازی بیرون آمد. یک گوشه نشست و خیلی ناراحت بود. بز پیر جنگل سمت گرگی آمد و گفت: «میفهمم که ناراحتی. خیلی متاسفم. تو واقعا دوست داشتی برنده بشی اما نشد». گرگی با ناراحتی سرش را تکان داد و گفت: «آره ناراحتم. اما یاد گرفتم که عجله کار شیطونه. یاد گرفتم برای بهتر بازی کردن باید یه وقتایی صبر کنم. باید بتونم خودمو کنترل کنم.»

داستان در مورد تقویت خودتنظیمی کودکان: سوالاتی که باید پرسید

سوالاتی که در پایان قصه می پرسید، اثربخشی قصه را افزایش می دهد. نبوغ خفته پیشنهاد می کند در پایان قصه سوالاتی از کودک خود پرسید: «چرا این جنگل را جنگل شاد می نامند؟»، «حیوان جدید که وارد جنگل شاد شد، چه حیوانی بود؟»، «چرا گرگی در مسابقه های جنگل شاد برنده نمی شد؟»، «تا حالا شده شما هم عجله کنید و موفق نشوید؟».